

## گذری کوتاه بر زندگی علامه محمدشهاد سرآوانی رحمه الله

یکه ابو شعیب عبد القادر سرآوانی

ابتدایی از ادامه تحصیل در علوم دینی و حوزوی منصرف شد، اما حادثه‌ای در زندگی اش رخ داد که نقطه عطفی در زندگی وی به شمار می آید، پس از وقوع این حادثه بود که به فراگیری علم و دانش روی آورد. چنان که خودش می نویسد:

«اما پس از مدتی به موجب «والله یهدی من یشاء» ایزد متعال چراغ هدایت در راه این حقیر که در طرق ضلالت حیران و سرگردان بودم فرا داشت، بدین گونه که برادر کوچکترم وفات یافت و بر حسب فرمایش خداوندی «عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم» این امر سبب انابت به سوی خداوند متعال شد، چنان که خوف الهی در قلب واقع و در فکر معاد و اعاده سعادت قبلی از دست رفته افتادم.»

پس از این حادثه، از حسن اتفاق در سال ۱۳۵۷ هجری قمری مرحوم ملا عبدالرحیم که از بستگان مادری ایشان بود از منطقه ناهوک به قریه کهن ملک وارد شد و بنابر تقاضای مردم محل به عنوان امام جماعت مسجد روستای کهن ملک کار خود را آغاز کرد.

مولانا محمدشهاد، دروس مقدماتی و فارسی را نزد ایشان فرا گرفت و سپس برای ادامه تحصیل، پیاده و بدون همراه و راهنما عازم منطقه «سرباز» شد و با آنکه آشنایی قبلی با راه سرباز نداشت پس از چندین شبانه روز پیاده روی به روستای دپکور بخش سرباز رسید و نزد عالم برجسته و مجاهد نستوه، علامه عبدالله ملازاده، پدر بزرگوار دانشمند شهیر و مؤسس حوزه علمیه دارالعلوم اهل سنت زاهدان مولانا عبدالعزیز ملازاده به فراگیری علوم اسلامی پرداخت و به مدت دو سال از محضر پر فیض این عالم ربانی بهره مند شد و کتب مبادی علم فقه مانند قدوری، کنز الدقائق و منیة المصلی را نزد ایشان خواند و در اوایل سال ۱۳۶۰ هـ. ق از سرباز به سرآوان بازگشت.

### عزیمت به شبه قاره هند

سپس به منظور ادامه تحصیل در ماه ذی قعدة سال ۱۳۶۰ هـ. ق به شبه قاره هند که در آن زمان هنوز زیر سلطه انگلستان و از مستعمرات آن بود، عزیمت کرد. این بار نیز از دهستان سوران (بلوچستان ایران) پیاده

از دیر باز آرزو داشتم شرح حال دانشمندان و بزرگمردان بلوچستان در مجموعه‌ای گردآوری و منتشر گردد، زیرا به حق می توان گفت که دانشوران و مجاهدان این دیار، به رغم فداکاری‌ها و خدمات بسیار ارزنده گمنام زندگی کرده و گمنام به منزل مقصود شتافته اند. و به مصداق «لانرید منکم جزاء و لا شکورا» (نه از شما پاداش می خواهیم و نه انتظار تشکر داریم) از پیامبران الهی تبعیت نموده اند و از آنجا که یاد صالحان، مایه نزول رحمت و سرگذشت زندگی آنان سرشار از تجربیات گرانبهاست، بر ماست که شرح حال آنان را تدوین نموده و در اختیار خوانندگان قرار دهیم تا مشعلی باشد فراراه طالبان حق و حقیقت.

آری همواره این آرزو را در قلب می پروراندم، اما به سبب بی بضاعتی و نداشتن اطلاع کافی از زندگی این مردان حق، حسرت می خوردم و تمنا داشتم روزی خداوند این آرزو را محقق گرداند، از قضا چندی پیش به نوشتاری دست یافتم که به قلم علامه فقید سرآوانی گوشه‌ای از شرح حال ایشان قلمی شده بود، لذا فرصت را غنیمت شمرده و با استناد به این نوشته به تنظیم شرح حال زندگی ایشان پرداختم؛ باشد که خداوند متعال به دوستی صالحان، این حقیر راه گم کرده را به صلاح و فلاح دارین مفتخر گرداند:

به گفته یکی از شعرا:

سائلی را گفت آن پیر کهن  
گفت خوش آید زبان را بردوام  
گر نیم زیشان از ایشان گفته ام  
گر ندارم از شکر جز نام بهر  
چند از مردان حق گویی سخن  
تا بگوید حرف ایشان را مدام  
خوش دلم کاین قصه از جان گفته ام  
این بسی بهتر که اندر کام زهر  
(صفوة الصفا)

### دوران کودکی و آموزش ابتدایی

فقیه عالیقدر، علامه محمدشهاد سرآوانی تقریباً در سال ۱۳۴۲ هجری قمری در روستای کهن ملک سوران، از توابع شهرستان سرآوان بلوچستان، در خانواده‌ای متدین به دنیا آمد. در آن زمان عمده ترین راه سوادآموزی و کسب دانش، پیوستن به مکتب خانه‌ها بود، روخوانی قرآن مجید را در زادگاه خویش از فردی به نام ملا عثمان در سنین کودکی فرا گرفت و پس از تحصیلات

با تلاشهای شبانه روزی ایشان شهرت علمی و سخنوری ایشان سراسر منطقه را فرا گرفت و مردم از نقاط دور و نزدیک برای استفاده از این مشعل فروزان علم و عرفان گرد می آمدند.

و مشتاقانه جهت کسب علم رهسپار هند شد. آری این تشنه علم و معرفت با پشت سر گذاشتن دشت ها و آبادی ها، پس از پیمودن صدها کیلومتر راه، خود را از طریق شهر مرزی «پنجگور» به کویت رسانید و رنج و خستگی راه را با جان و دل خرید زیرا گفته اند:

در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم

سرزنش ها گر کند خار مغیلان غم مخور

علامه سراوانی رحمه الله در شهر کویت به کمک عالم ربّانی قاضی عبدالصمد رحمه الله که در آن زمان از طرف والی قلات به عنوان قاضی وقت در شهر سریاب کویت مشغول خدمت بود به مدرسه علوم دینی «جامعه نصیریّه»<sup>(۱)</sup> کویت راه یافت و مبادی علوم و فنون عربی از قبیل صرف میر، نحو میر، شرح مأة عامل و هدایة النحو را ظرف یک سال در مدرسه مذکور فرا گرفت. در همین سال حضرت مولانا عبدالعزیز رحمه الله فارغ التحصیل شدند.

علامه سراوانی در این مورد می نویسد: «در همین ایام، یعنی در سال ۱۳۶۰ هـ. ق جناب مولانا عبدالعزیز سربازی فرزند حضرت استاد مولانا عبدالله رحمه الله از دهلی هند فارغ التحصیل شده و با عده ای از علمای فارغ التحصیل به منطقه دهادر و مدرسه ای که بنده در آن مشغول تحصیل بودم، آمدند و پس از چند روز اقامت عازم بلاد خودشان شدند. بدین صورت سال شروع به تحصیل بنده همان سال فارغ التحصیلی مولانا عبدالعزیز می باشد.»

در سال ۱۳۶۱ هـ. ق والی قلات به مدیر مدرسه جامعه نصیریّه، مولانا محمد شریف کشمیری، اعلام نمود که هیأتی متشکل از ۳۰ نفر از طلابی که در سطح بالاتری هستند را انتخاب و با مخارج والی قلات به دارالعلوم دیوبند اعزام کنند. بنابراین دستور ۳۰ نفر از طلاب زبده مدرسه تحت سرپرستی دو استاد برجسته از ایستگاه راه آهن سیبی به وسیله قطار به دارالعلوم دیوبند اعزام شدند که یکی از این ۳۰ نفر علامه محمد شهادت سراوانی بود.

#### در دانشگاه دیوبند

علامه سراوانی در سال ۱۳۶۱ در دانشگاه دارالعلوم دیوبند هند ثبت نام کرد و در رشته های علم فقه، منطق، کلام، ادبیات عرب و دیگر علوم اسلامی به تحصیل ادامه داد و از محضر اساتید برجسته و نامدار آن دیار از جمله شیخ الاسلام علامه حسین احمد مدنی،

شیخ الادب مولانا اعزاز علی، شیخ المعقول و المنقول مولانا ابراهیم بلیاوی و مولانا عبدالسمیع رحمه الله و دیگر بزرگان و پیشگامان نهضت اسلامی هند استفاده نمود و از آنان درس آزادی، شجاعت و شهامت را در کنار علوم متداول زمان فرا گرفت و سرانجام در سال ۱۳۶۷ هـ. ق برابر با ۱۳۲۵ هـ. ش سال آزادی هندوستان از چنگال استعمار انگلیس و تقسیم آن به هند و پاکستان، پس از پایان تحصیلات عالی به ایران بازگشت و در دهستان سوران سراوان، فعالیت خود را در زمینه های مختلف علمی و فرهنگی از جمله تدریس، تبلیغ و حل و فصل خصومت ها و مبارزه با مفسد اجتماعی و پاسخ گویی به نیازهای معنوی مردم این دیار و گسترش امور فرهنگی و مذهبی، آغاز نمود. با تلاشهای شبانه روزی ایشان شهرت علمی و سخنوری ایشان سراسر منطقه را فرا گرفت و مردم از نقاط دور و نزدیک برای استفاده از این مشعل فروزان علم و عرفان گرد می آمدند.

#### نخستین سفر حج

علامه در سال ۱۳۶۹ هـ در ماه شوال از راه آبادان و کویت به منظور ادای فریضه حج عازم حرمین شد و به توفیق خداوند به زیارت خانه خدا و حرم رسول الله صلی الله علیه و سلم مشرف شد و مناسک حج را انجام داد.

#### فعالیت در حوزه علمیه مجمع العلوم سر جو

در سال ۱۳۷۵ هـ. ق علمای منطقه بنا به دعوت عده ای از مردم مؤمن و متعهد سراوان در منطقه سرجوی سراوان نسبت به تأسیس مدرسه دینی مجمع العلوم بحث و تبادل نظر کردند. در آن جلسه که اکثر علمای بلوچستان به خصوص علماء و رهبران بزرگ فکری و دینی بلوچستان از جمله حضرت مولانا عبدالعزیز ملازاده رحمه الله، مولانا سید عبدالواحد سیدزاده رحمه الله و مولانا قمرالدین ملازهی رحمه الله شرکت داشتند، مقرر گردید که مدرسه در محله «سرجو» تأسیس شود و حضرت علامه سراوانی اداره مدرسه را به عهده گیرند اما ایشان بنا بر عللی در سال نخست موفق به اداره آن نشدند که به همین خاطر در سال اول، مولانا عبدالواحد سیدزاده مسئولیت اداره آن را پذیرفتند. پس از گذشت یک سال علامه سراوانی رحمه الله از «سوران» به «سرجو» منتقل شدند و اداره

این مرکز علمی را به مدت ۲۵ سال (تا سال ۱۳۶۰ هـ. ش) بر عهده داشتند.

در سال ۱۳۶۰ بنا بر پیشنهاد بعضی از دوستان به زاهدان مهاجرت نموده و با پذیرفتن عهده قضا در داسرای انقلاب اسلامی، به عنوان حاکم شرع به خدمت مشغول شدند. ایشان در این مدت نیز از نشر معارف اسلامی غافل نماندند و در مدرسه علوم دینی حمادیه جام جم زاهدان به تدریس پرداختند.

### جایگاه علمی

حقا که فقیه عالیقدر علامه سراوانی رحمه الله در علم فقه دارای بصیرت و تبحر فوق العاده ای بودند و در این باب زبانزد خاص و عام بود. هرگاه مسئله ای از ایشان استفتاء می شد فوراً بدون مراجعه به کتاب، مسئله را با ذکر منبع پاسخ می دادند. به همین دلیل ایشان به لقب «فقیه بلوچستان» معروف بودند. همچنین در علم منطق و فلسفه مهارت کافی داشت و گفتارش مستند و بر پایه های منطقی استوار بود. در هر موضوعی که بحث می کرد، ابتدا آن را به دو بخش صغری و کبری تقسیم می نمود و سپس نتیجه منطقی آن را استنباط می کرد و به حق باید این گونه می بود، زیرا ایشان از شاگردان خصوصی شیخ المعقول و المنقول، مولانا ابراهیم بلیاوی رحمه الله بودند.

### خصوصیات اخلاقی

علامه سراوانی رحمه الله با آنکه از نظر علم و دانش مدارج بالایی داشتند و از نفوذ و ابهت خاصی برخوردار بودند، ولی بسیار انسان متواضع و فروتنی بودند و مجلس ایشان همیشه کانون صفا و صمیمیت بود. اما در عین حال بسیار قاطع و رک گو بودند و همواره از حق و حقیقت دفاع می کردند.

### آثار علمی

از ایشان آثار گرانبهایی به جای مانده است که می توان کتابهای ذیل را نام برد:

### تألیفات:

- ۱- زبده العقاید، ۲- سرور شهیدان، ۳- قول معقول در حکم آمپول، ۴- نماز مصور، ۵- فضیلت جمعه، ۶- بیعت المقدس و فتوحات اسلامی، ۷- جامع المسائل

(در دو جلد)، ۸- داستان وفات خاتم الانبیاء صلی الله علیه وسلم، ۹- اثبات وجود خداوند عزوجل، ۱۰- رفع الالتباس عن حکم التباک، ۱۱- فضایل و مسائل رمضان.

### ترجمه ها:

۱- تفهیمات حضرت علی رضی الله عنه، ۲- عقد

ام کلثوم، ۳- تیسیر المنطق، ۴- نماز کامل، ۵- علوم القرآن

### به سوی دیار جاودان

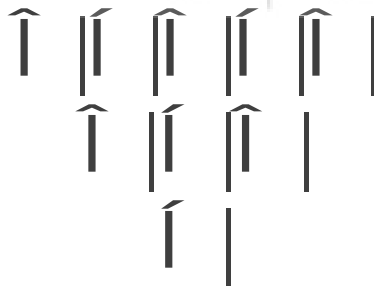
علامه سراوانی در فروردین سال ۱۳۶۶ هـ. ش جهت شرکت در اجتماع سه روزه نهضت دعوت و تبلیغ عازم پنجگور پاکستان شد و در آن همایش باشکوه شرکت نمود، ولی قبل از پایان اجتماع شب هنگام پیک اجل به سراغش آمد و او را از میان آن جمعیت انبوه برای دیدار یار برگزید؛ گویا حکمت و خواست الهی بود که ایشان بار دیگر به ایران مراجعت نکنند، لذا در همان جا به خاک سپرده شد.

روحش شاد و تابقای تاریخ یادش زنده و گرامی باد؛ چنانکه گفته اند:

سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز  
مرده آن است که نامش به نکویی نبرند

### پاورقی:

۱- جامع نصیریة توسط والی قلات مرحوم احمدیار خان تأسیس شده بود و برای تحصیل طلاب بلوچستانی اختصاص داشت و هزینه مدرسه توسط وی پرداخت می شد. (علامه سراوانی)



✓ **مجلس**  
**ایشان همیشه**  
**کانون صفا و**  
**صمیمیت بود.**  
**اما در عین**  
**حال بسیار**  
**قاطع و**  
**رک گو بودند**  
**و همواره از**  
**حق و حقیقت**  
**دفاع**  
**می کردند.**